چهل و دو سال از اولین کنگره موسیقی بین المللی موسیقی در تهران گذشت

اشراق، عبدالحمید

در فروردین سال 1340 ش؛(یعنی 42 سال قبل)اولین کنگره بین المللی موسیقی در تهران‏ تشکیل شد.موضوع این کنگره(حفظ سنت‏های موسیقی اصیل ملی و عامیانه)بوده و هدف آن‏ بحث و گفتگو به منظور پیدا نمودن راه‏هایی برای حفظ موسیقی سنتی و عامیانه کشورها بود.

این کنگره توسط(شورای بین المللی موسیقی)که در سال 1328 ش تأسیس شده بود و مرکز آن سازمان یونسکو در پاریس بود پیشنهاد شد؛و مورد قبول ایران قرار گرفت.

این شورا موسسه‏ای غیر دولتی و غیر تجارتی بود که با کمک یونسکو فعالیت خود را آغاز کرد و تا آن تاریخ در چند شهر از کشورهای دیگر نیز چون هامبورگ،پاریس،برلن،آمستردام و... کنگره‏هایی تشکیل داد.تا آن زمان تعداد کشورهای عضو شورای بین المللی موسیقی،35 کشور بود که ایران نیز عضویت آن را قبول کرده بود.اهداف برگزاری این کنگره در تهران:آشنایی با آثار و مفاهیم هنری،برخورد هنرمندان غرب و شرق که در نهایت مبادلهء نظرها و گفتارهای آن‏ها به‏ صورت مجله‏ای به چند زبان چاپ شد و تحت اختیار کشورهای عضو قرار گرفت.

اعضای هیأت ایرانی در این کنگره عبارت بودند از:دکتر مهدی برکشلی که در آن زمان رئیس‏ کمیتهء موسیقی ملّی ایران بود؛دکتر زاون هاکوپیان،علینقی وزیری،دکتر مهدی فروغ،روح الله‏ خالقی و ملیک اصلانیان و کشورهایی که شرکت کرده بودند عبارت بودند از:فرانسه،یوگسلاوی‏ ویتنام،برزیل،آلمان،ترکیه،امریکا،انگلستان،ژاپن،پاکستان و...و کلا پنجاه نماینده از کشورهای مختلف در تهران حضور داشتند.در اولین جلسه پس از مشورت و رأی گیری،دکتر مهدی برکشلی به عنوان رییس کنگره انتخاب شد و وی چهار نفر را به عنوان معاونین و همکاران‏ خود انتخاب نمود.در بین آنان پروفسور دانیلو،موسیقی‏شناس و مستشرق فرانسوی که شهرت‏ جهانی دارد را به عنوان مخبر برگزیدند.روز اول،دکتر جهانشاه صالح،که در آن زمان وزیر فرهنگ بود،گفت:«موسیقی در زندگی بشر همیشه اثر بزرگی داشته و تاریخ بشریت از ابتدا نشان‏ می‏دهد که نیاکان ما هنگام شادی هلهله می‏کردند و دست می‏زدند و هنگام مصیبت به گریه و زاری می‏پرداختند و این حالات همیشه با موسیقی همراه بوده است.»

علی اصغر حکمت بیشتر در باب فعالیت‏های یونسکو در حوزهء فولکلور موسیقی جهان‏ صحبت کرد و نتایجی که از این کنگره حاصل خواهد شد را بیان کرد.

در یکی از جلسات،دکتر رعدی طی یک سخنرانی طولانی،مقام موسیقی را تشریح نمود و موسیقی را زبان و روح ملت‏ها نامید و گفت:«موسیقی زبانی است که بیگانه نمی‏شناسد؛ موسیقی گاهی از شعر مدد می‏گیرد؛گاهی به شعر مدد می‏رساند؛هر دو به یکدیگر نیازمندند، ولی اگر کار به دعوای بی‏نیازی کشد،شاید موسیقی بی‏نیازتر یا لا اقل کم‏نیازتر باشد.او اضافه‏ کرد که:«سرحدهای سیاسی،جغرافیایی و تشریفات گوناگون جهانی می‏توانند مانع سیر و عبور و مرور کتابها و پرده‏های نقاشی و آثار ظریف دیگر از کشور شوند؛اما نت‏های موسیقی به برکت‏ رادیو،سوار امواج مغناطیسی می‏شوند و به سرعت برق خود را از غرب به شرق از شمال به‏ جنوب و از زمین به آسمان می‏رسانند».استاد کلنکل وزیری سخنانی در مورد«نت‏نویسی و وسیلهء حفاظت موسیقی و تخریب موسیقی‏های ثبت نشده صحبت کرد»و بیان خود را در مورد ربع پرده در موسیقی ایرانی تکمیل نمود.باید اضافه کنم که کلنکل وزیری خود مبتکر سرّی و کرن‏ یعنی ربع پرده‏ها در موسیقی ایرانی است و علامات آنها را مشخص کرده و هم‏اکنون نیز در موسیقی ایرانی پابرجاست.سخنرانی رئیس کنگره یعنی دکتر مهدی برکشلی جالب بود و مورد تمجید همه قرار گرفت؛او شروع صحبتش را با این جمله آغاز کرد:

«پایه موسیقی شرق بر تعدیلی است که صفی الدین ارموی از گام موسیقی ایران و از پرده‏ بندی تنبور خراسان وارد نموده».و خواست که این کنگره به یاد این دانشمند و موسیقی‏شناس و آهنگ‏ساز ایرانی آغاز گردد.جالب آنکه در آخر صحبت خود اضافه کرد به این منظور تصویر صفی الدین ارموی که توسط استاد بهزاد ترسیم شده به کنگره بین المللی موسیقی اهداء می‏شود.

در بین هر سخنرانی یک ساز سلوی موسیقی ایرانی نواخته می‏شود که استاد شهنازی،استاد ملک،استاد عبادی و دیگران در آن سهمی داشتند که مورد توجه بسیاری از موسیقی‏دانان‏ خارجی قرار گرفت.

شب‏ها نیز کنسرتهایی برای مدعوین خارجی ترتیب داده می‏شد؛گروه سازهای ملی به‏ سرپرستی:استاد فرامرز پایور و شرکت آقایان حسین تهرانی،رحمت الله بدیعی و گلپایگانی‏ برنامهء جالبی را اجرا کردند.در این برنامه خانم خاطره پروانه نیز چند ترانه خواند.

یک شب دیگر ارکستر صبا به رهبری حسین دهلوی نیز برنامه‏ای اجرا کرده و شبهای دیگر نیز به همین طریق برنامه‏هایی اجرا می‏شد.

جدا از محسنات عدیدهء این کنگرهء جهانی،مطالبی که به عنوان انتقاد می‏توان بیان کرد:عدم‏ عرضه نمودن کافی موسیقی ایرانی به شرکت‏کنندگان،به خصوص شرقی‏ها برای استفاده از نظرات آنها بود،چون‏که کشورهایی همانند ایران و هند،ترکیه و...موسیقی آنها دارای نزدیکی‏ بیشتری به هم می‏باشد تا به موسیقی اروپا به همین دلیل این کنگره روی این موضوع باید تأکید بیشتری می‏کرد؛به خصوص اینکه دربارهء مشکل ربع پرده که هنوز هم پابرجاست هیچ کس غیر از کلنل وزیری صحبتی به میان نیاورد و کمیته‏ای نیز برای بحث در این مورد تشکیل نشد و سخنرانی‏های این کنگره آنچنان طولانی و پشت سر هم بود که به کسی فرصت بحث و گفتگو نمی‏داد.به قول روح الله خالقی«حتی آنها را به هنرستان‏هایی موسیقی نبردیم که ببینند ما چه‏ کار می‏کنیم و یا چه کار باید بکنیم.»

آنچه همه را آزار می‏داد زبان کنگره بود که فرانسه و انگلیسی انتخاب شده و اکثر هنرمندان‏ ایرانی مطالب برایشان روشن نبود و نمی‏توانستند در مباحث شرکت کنند و وسیله ترجمه هم‏ وجود نداشت.

اما با اینکه امتیازهای بی‏شماری برای تشکیل این کنگره می‏توان قائل شد.برای راهمایی‏ موسیقی‏دانان ایرانی چندان مفید واقع نشد.و سبب گردید که در مطبوعات آن زمان هنرمندان‏ انتقادهاتی را مطرح کنند.ولی نباید منکر آن شد که در اکثر کنگره‏های جهانی این نواقص وجود دارد.